



The Role of Self-Control in Organizational Productivity from Quranic Perspective

Hassan Khajund Salehi*

Abstract

This article seeks to answer the question of what self-control means in the Quran, what are its implications, and what is its relationship with productivity? Analytical and interpretive methods have been used in this article. One of the axes of Quranic discussions is the human attention to himself/herself and his/her actions and how to benefit from it. By referring to the verses of the Word of Revelation and the commentators' point of view, and by using the descriptive, analytical, and interpretive method, the author has examined and documented efficiency from the perspective of the Quran, which includes: God-watching, self-watching, witness-watching (witnesses of human actions), court-watching (the embodiment of actions and their calculation in the Day of Judgment). The findings indicate that the results and consequences of self-control in the productivity of the organization are: taking care of the precious gem of humanity and not selling it against desires and whims, the prosperity of societies and organizations and their foundation based on trust, confidence and honesty, preserving human dignity and abstinence from instrumental perspective, correct and consistent performance and avoiding rework and wasted costs.

Keywords: Verses Denoting Self-Control, Self-Control, Productivity, God-watching, Evidence-watching, Court-watching.

*. ۴th Level Student (PhD Candidate), Imam Ali Bin Abi Talib's (A.S.) Specializing Center of Quran, Quran and Science, (Management Orientation): h.salehi110@chmail.ir



نقش خودکنترلی در بهره‌وری سازمان از منظر قرآن

حسن خواجوند صالحی*

چکیده

این نوشتار در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که خودکنترلی در قرآن به چه معناست و لوازم آن چیست و رابطه آن با بهره‌وری چیست؟ در این نوشتار از روش تحلیلی و تفسیری استفاده شده است. یکی از محورهای مباحث قرآنی، توجه دادن انسان به خود و اعمال خود و چگونگی بهره‌وری از آن است. نگارنده با مراجعه به آیات کلام وحی و دیدگاه مفسران و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و تفسیری به بررسی و مستندسازی بهره‌وری از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند که شامل: خدا ناظری، خود ناظری، گواه ناظری (گواهان و شاهدان اعمال انسان)، محکمه ناظری (تجسم اعمال و محاسبه آن در قیامت) می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نتایج و پیامدهای خودکنترلی در بهره‌وری سازمان عبارت است از: مواظبت از گوهر گران‌بهای انسانیت و نفروختن آن به امیال و هوس‌ها، آبادی جامعه‌ها و سازمان‌ها و پایه‌گذاری آن بر اساس اعتماد و اطمینان و صداقت، حفظ کرامت انسانی و پرهیز از نگاه ابزاری به آن، عملکرد درست و متقن و پرهیز از دوباره کاری و هدر رفت هزینه‌ها.

واژگان کلیدی: آیات دال بر خودکنترلی، خودکنترلی، بهره‌وری، خدا ناظری، گواه

ناظری، محکمه ناظری.

*. طلبه سطح ۴، مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب (ع)، قرآن و علوم (گرایش مدیریت):

h.salehi110@chmail.ir



مقدمه

سازمان‌ها عناصر کلیدی در جامعه امروزی هستند. شرایط مختلف و انسانی باعث پیدایش و گسترش روزافزون سازمان‌ها شد. این سازمان‌ها بر افراد در تمام مراحل زندگی شان از تولد تا مرگ، تأثیر می‌گذارند. بدیهی است که تنها سازمان‌هایی که دارای مدیریت قوی و کارآمد هستند در انجام وظایف و رسیدن به اهداف خود موفق خواهند بود (صفاریان و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از اهداف اصلی هر سازمانی، دستیابی به بهره‌وری است. بهره‌وری یک نگرش عقلایی به کار و زندگی است که هدف آن، هوشمندانه‌تر کردن فعالیت‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر و متعالی‌تر است. تاریخ بهره‌وری به درازای عمر بشر است. هرچند در سده‌های گذشته کم‌وبیش مورد توجه قرار گرفته، اما در سده کنونی، به واسطه کمبود منابع، افزایش جمعیت و رشد نیازها و خواسته‌های بشر، بهره‌وری در زندگی انسان معاصر نقشی حیاتی یافته و باعث شده که دست اندرکاران عرصه اقتصاد، سیاست و مدیریت جامعه، افزایش بهره‌وری را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.

از جمله کارهای انجام شده جهت دستیابی به بهره‌وری در سازمان‌ها، اقدامات انضباطی دقیق و شدید و کنترل خارجی از طریق نظارت بر عملکرد کارکنان و با استفاده از سازوکارهای اداری و رسمی است؛ اما با وجود این همه دستگاه‌های نظارتی و هزینه‌های سنگین مصرف شده در این مسیر، همچنان یکی از مشکلات موجود و مستمر و فراگیر سازمان‌ها، کاهش بهره‌وری است؛ یعنی به تناسب آن مقداری که در سازمان‌ها از منابع مالی و انسانی جهت کنترل و نظارت کارکنان هزینه مصرف می‌شود، از این هزینه‌ها بهره‌برداری لازم صورت نمی‌گیرد، علاوه بر اینکه معمولاً در مسیر اجرای برنامه‌های کنترل در سازمان، مشکلات و موانعی همچون: مقاومت کارکنان، تأخیر در ارائه نتایج کنترل، استفاده از معیارهای غیر واقعی و غیر منصفانه و... بروز می‌کنند (رضائیان، ۱۳۷۹، ص ۵۶۶). علی‌رغم ضرورت استفاده از شیوه کنترل



خارجی، باید توجه داشت که بهره‌وری از شیوه کنترل درونی یا خودکنترلی بسیار مطلوب‌تر از شیوه کنترل خارجی است؛ چرا که کنترل درونی از طریق قبول مسئولیت فردی برای کارهای خود، صورت می‌پذیرد. البته لازم به ذکر است که ادیان الهی - خصوصاً اسلام - در مسئله خودکنترلی در نسبت و سنجش با دانش بشری گام‌های موفق‌تری را به خود اختصاص داده‌اند و انسان‌های بیشتری را - برخلاف مدیران برآمده از دانش مدیریت - با خود همراه ساخته‌اند چرا که دین، خود را به پیروان تحمیل نمی‌کند بلکه این انسان‌ها هستند که با عقل، اراده، میل، فطرت درونی و با انتخاب آزادانه و عاقلانه آن را پذیرا می‌گردند؛ که در چنین صورتی تبعیت و پیروی از دستورات دین - که از جمله آن، کنترل و نظارت انسان بر اعمال خود می‌باشد - آسان و شیرین خواهد بود و بدون فشار و کنترل از بیرون و با مسئولیت‌پذیری درونی انجام می‌گردد.

اسلام درباره بهره‌وری با تأکید بر نقش محوری انسان، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، نکات بدیع و منحصر به فردی را از طریق آیات قرآن کریم و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام فرا روی مسلمانان نهاده است تا در گام نخست درباره آن بیندیشند و در گام بعدی، آموزه‌های بهره‌وری را به کار گیرند. در یک جامعه اسلامی که می‌خواهد بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و در جهت تحقق اهداف اسلامی پایه‌گذاری شود باید نظام‌های کنترلی آن نیز با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگی داشته باشد و در این چارچوب اعتقادی و ارزشی طراحی شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، حاصل تحقیق در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی در زمینه خودکنترلی (به عنوان یکی از ابعاد مهم کنترل که در نظریه‌های جدید مدیریتی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است) و کشف راهکارهای ارائه شده در دین اسلام در این زمینه با استفاده از منابع اسلامی (قرآن و سنت) می‌باشد.



پیشینه

پژوهشگران حوزه تأثیر خودکنترلی در بهره‌وری می‌کوشند که موضوع را - که در نوع خود از جمله مسائل نو پیدا و جدید مدیریتی در عصر حاضر قلمداد می‌شود - موضوع تحقیقات خود قرار دهند و از این طریق به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند. به عنوان مثال به مقالات زیر می‌توان اشاره کرد: «نقش خودکنترلی در افزایش بهره‌وری در شهرداری شیراز؛ مجله: مدیریت شهری نوین، دوره ۲، شماره ۷ - شماره پیاپی ۷ دی ۱۳۹۳ صفحه ۱۳۷-۱۵۳، نویسندگان: سید علی زارع و آذر صراطی کیش»؛ «مفهوم بهره‌وری و راه‌های ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی (قسمت دوم)؛ مجله: فرهنگ و تعاون، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ - شماره ۱۰، صفحه ۱۹ تا ۲۳، نویسندگان: علیرضا شیروانی و بهمن صمدی»؛ «خودکنترلی در مدیریت از دیدگاه اسلام؛ مجله: مدیریت در اسلام، تابستان و پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۱۱، صفحه ۱۸ تا ۲۱، نویسنده: مهدیه قدسی»؛ «نقش تقوا در خودکنترل شدن کارکنان؛ مجله: اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، بهار و تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۱۰، نویسنده: مساعد، علی؛ نادری قمی، محمد مهدی».

هر یک از مقالات ذکر شده از بعدی به «بهره‌وری» نگریسته است و مسئله خودکنترلی تنها قسمتی از متن مقالات را به خود اختصاص داده است و مخصوصاً به بعد قرآنی مسئله توجه کمی شده است. نتیجه حاصله از مطالعه مقالات مذکور، بیانگر آن است که مسئله موردتحقیق در این مقاله، در آن مقالات موردبررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین با توجه به فزونی توجه به «بهره‌وری در سازمان‌ها»، بررسی، تحقیق و تحلیل مسئله مذکور از نگاه قرآن، ضروری هست.

ضرورت تحقیق

بهره‌وری از اوایل دهه ۱۹۷۰ یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که در سطح سازمان‌ها و در کشورها، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. مقدار و نرخ رشد بهره‌وری در هر کشور، تأثیر بسزایی بر سطح زندگی، تورم، بیکاری، وضعیت اقتصادی جامعه و رقابت‌پذیری



در سطح جهانی دارد. در نظر سنجی که از مدیران صنایع آمریکا انجام شده ارتقاء بهره‌وری یکی از دو یا سه موضوع مهم و جدی است که کشور با آن روبه روست (اکبری، ۱۳۸۹، ش ۳۷۰، ص ۵۰). در دنیای رقابتی امروز بهره‌وری به‌عنوان یک فلسفه و یک دیدگاه مبتنی بر استراتژی بهبود عملیات مهم‌ترین هدف سازمان‌های پیشرو می‌باشد. امروزه مسئله بهره‌وری - که به رقابت جهانی بین کشورها برای دستیابی به آن تبدیل شده است-، برای جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چون در سه دهه اخیر، شاهد تحول‌های بزرگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از جمله انقلاب، جنگ، توطئه‌های استکبار جهانی و همچنین بلایای طبیعی متعدد، مانند: سیل و زلزله بوده و فرصت‌های زیادی را از دست داده است، بنابراین اگر به اصل بهره‌وری دست نیابیم - باوجود گرفتاری‌ها و تنگناهای موجود مانند: بی‌کاری، وجود یارانه‌های غیرمنطقی، محاصره اقتصادی، کمبود مسکن و ده‌ها مشکل دیگر - از رقابت‌های آینده جهانی باز می‌مانیم و طومار کشور در هم خواهد پیچید. علاوه بر این مطلب، با پیاده‌سازی فرهنگ خودکنترلی - که ریشه در آموزه‌های آسمانی اسلام و سنت‌های سازنده ملی دارد - فواید و آثاری که از خودکنترلی عاید ملت می‌گردد، مسیر دستیابی به بهره‌وری را تسهیل نموده و استفاده از خودکنترلی را توجیه می‌کند، فوایدی همچون: ۱. خودکنترلی چون درونی است و با میل و رغبت فرد انجام می‌گیرد، در بهبود عملکرد تأثیر بنیادی دارد و به نوعی حامل این پیام است که ارزش‌ها و خواسته‌های سازمان در فرد درونی و نهادینه شده است و چنین حالتی، بهترین و وضعیت برای سازمان به حساب می‌آید. ۲. اگر فرد خودش را مسئول ارزیابی و پیامدهای رفتاری‌اش بداند، هیچ‌گاه نمی‌کوشد با ارائه‌ی اطلاعات نادرست بر عملکرد ضعیف خود سرپوش بگذارد. ۳. خودکنترلی، جو و فضای سازمانی را آکنده از اعتماد، اطمینان و صداقت می‌سازد که یکی از نیازهای جدی امروز سازمانهاست. ۴. خودکنترلی موجب می‌گردد تا در صورت وقوع اشتباه، به سرعت نسبت به اصلاح و جبران آن



اقدام گردد. ۵. خودکنترلی، کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد. ۶. خودکنترلی از نظر اقتصادی، بسیار کم‌هزینه و مقرون به صرفه است (زارع، ۱۳۸۴، ش ۴۵، ص ۴۷).

مفهوم شناسی

۱. بهره‌وری

بهره‌وری یک نگرش، یک نگاه و یک طرز تلقی است که برای همه زمان‌ها است و در همه مکان‌ها و برای همه افراد مصداق دارد. بهره‌وری به زبان ساده یعنی بهتر کردن وضعیت. اصطلاح رایج و شایع بهره‌وری در فرهنگ لغت فارسی، به معنای بهره‌برداری، کامیابی و بافایدگی، سود برندگی، بهره‌برداری صحیح و اقتصاد است (لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۸۳)؛ و در پژوهش‌ها به معنای راندمان، بازدهی، مولدیت و باروری به کار می‌رود. آژانس بهره‌وری اروپا بهره‌وری را چنین تعریف می‌کند: بهره‌وری در درجه اول یک دیدگاه فکری است که همواره سعی دارد آنچه را در حال حاضر موجود است، بهبود بخشد و مبتنی بر این عقیده است که انسان می‌تواند کارها و وظایفش را بهتر از روز قبل انجام دهد (ابطحی، ۱۳۷۹، ص ۶).

بهره‌وری یک اولویت و یک انتخاب ملی است. هر فعالیتی برای افزایش بهره‌وری یعنی بالا رفتن رفاه اجتماعی و اقدام نمودن در این راستا به معنی دچار فقر شدن می‌باشد. اقدامات یک کشور برای بالا بردن بهره‌وری یعنی جهت دادن به رشد و توسعه و در نهایت افزایش رفاه اجتماعی کشورها در بلند مدت است. در این رابطه بهره‌وری یعنی استفاده علمی از منابع ملی مانند نیروی انسانی و دیگر عوامل تولید به منظور کاهش قیمت تمام شده، رشد بازار، کاهش میزان بیکاری، افزایش واقعی دستمزد و بالا رفتن استانداردهای زندگی مصرف‌کنندگان، مدیران و کارکنان است (مرکز بهره‌وری ژاپن، ۱۹۸۳، ص ۲). سازمان ملی بهره‌وری ایران هم بر این باور است که: بهره‌وری، یک نگرش عقلایی به کار و زندگی است که هدف آن،



هوشمندانه تر کردن فعالیت‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر و متعالی‌تر است (صائمان، ش ۲۱۸۸، ص ۵).

آخرین و دقیق‌ترین تعریف بهره‌وری، مجموع اثربخشی و کارآیی است:
بهره‌وری = اثربخشی (اجرای کارهای درست) + کارآیی (اجرای درست کارها) (عاکفیان، ش ۱۱۵۲، ص ۱۲).

صاحب کتاب «بهره‌وری در پرتو اسلام» در جمع‌بندی تعاریف بهره‌وری می‌گوید: اگرچه هر کدام از این تعاریف‌ها در جایگاه خود درست و کارآمد است، بهره‌وری می‌تواند بیشترین استفاده از کمترین امکانات و منابع مادی و معنوی در راه رسیدن به رشد و شکوفایی همه جانبه زندگی انسان باشد. منظور از امکانات و منابع مادی، فن‌آوری، مدیریت، نیروی انسانی و منابع طبیعی است. منظور از منابع معنوی هم ارزش‌ها، رفتارها، هنجارها، نگرش‌ها و اسلوب‌هایی است که قابل اندازه‌گیری نیستند، ولی می‌توانند نقش مهمی در بهبود بهره‌وری به طور مستقیم و غیرمستقیم ایفا کنند (بافکار، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

۲. بهره‌وری در اسلام

جوهره این مفهوم نه تنها در جامعه دینی و اسلامی تازگی ندارد، بلکه جزو بدیهیات زندگی به شمار آمده و از موکدات و اهداف تربیتی معارف اسلامی بشمار می‌رود. همچنین این مسئله همواره در کلام باری تعالی و معصومان علیهم‌السلام متجلی است؛ چرا که فلسفه آفرینش انسان، به کمال رسیدن و هر روز بهتر از روز قبل شدن است و این همان معنای بهره‌وری است. امام علی علیه‌السلام در گفتاری ارزشمند می‌فرماید: «إِنَّ الْمَغْبُونَ مِّنْ عَبْنِ عُمَرُ وَّ إِنَّ الْمَغْبُوطَ مِّنْ أَنْفَدَ عُمَرُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ» (انصاری قمی، ۱۳۸۴، ح ۳۵۰۲). بازنده کسی است که عمر خود را بیازد و نکو حال (برنده) کسی است که عمرش را در طاعت پروردگارش بگذراند. امام صادق



علیه السلام هم می فرماید: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ سَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزَّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ وَمَنْ كَانَ إِلَى الثَّقَصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ» (حر عاملی، جلد ۱۶، صفحه ۹۴). هر که دو روزش برابر با شد، مغبون است و هر که امروزش بدتر از دیروزش باشد ملعون (از رحمت حق به دور) است و هر که پیشرفتی در وجود خود نبیند در کمبود به سر برد و هر که در مسیر کاستی باشد، مرگ برای او بهتر از زندگی است.

بی شک، با توجه به دو منبع فیاض الهی (قرآن و سنت)، مفاهیم ارزشمند فراوانی از کلام باری تعالی و معصومان علیهم السلام می توان یافت که انسان را به بهره گیری بهینه از نعمت ها، فرصت های ارزشمند عمر، دقت و اتقان در کار، نظم و مشارکت در امور، پیش گیری از اسراف و ده ها مفهوم ارزشی دیگر فرامی خوانند. همه این موارد، انتظاری است که فرهنگ بهره وری امروز از انسان دارد. به یقین، هر تلاشی که در به فعلیت رساندن آن مفاهیم ارزشمند انجام پذیرد، کوششی در راه بهره ور ساختن خود و جامعه خواهد بود؛ چنان که علامه محمد تقی جعفری، بهره وری را «به فعلیت رساندن مفیدیت یک موضوع، اعم از انسانی و غیر انسانی برای رفع نیازهای اصلی و فرعی زندگی مادی و معنوی» می دانست (سازمان بهره وری ملی ایران، ص ۹۱).

خودکنترلی

خودکنترلی را می توان مراقبتی درونی دانست که بر اساس آن وظایف محول شده انجام و رفتارهای ناهنجار ترک می گردد، بی آنکه نظارت و یا کنترل خارجی در بین باشد. هنگامی که کسی بی توجه به کنترل خارجی تلاش خود را مصروف انجام دادن کاری که بر عهده او واگذار شده است نماید و مرتکب خلافی از قبیل کم کاری و سهل انگاری نگردد از کنترل درونی بهره مند است. به عبارت دیگر: هرگاه عامل کنترل کننده از خارج به داخل انسان منتقل



گردد به طوری که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب پردازد، خودکنترلی تحقق یافته است. در این صورت است که نظارت خارجی در تحقق چنین رفتاری که متضمن انجام دادن وظیفه و ترک خلاف است نقشی نداشته و تنها مراقبت درونی است که موجب رفتار مزبور می‌گردد، بر طبق توصیه‌های دینی ما مبنی بر «فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۴۳) «و یا «مُوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوْتُوا» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۶۹، ص ۵۹)» انسان موظف است قبل از هر کس، خودش به اعمال و رفتارش نظارت اساسی و عملی داشته باشد تا بتواند بر اساس شاخص‌های دینی رفتار خود را کنترل و اصلاح نماید (کانون دانش پژوهان نخبه، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۳۰).

خودکنترلی (ضبط النفس) به معنای توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها در چارچوب قابل قبول اجتماعی بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگر است (جان بزرگی، ۱۳۸۷، ص ۵۸). خودکنترلی حالتی در درون فرد است که او را به انجام وظایفش متمایل ساخته، بدون آنکه عامل خارجی او را تحت نظارت داشته باشد (الوانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۴).

خودکنترلی با واژه‌هایی همچون خویشستن‌داری، اراده (خدا پناهی، ۱۳۷۹: ۷۷)، خودداری، خود بازداری، خودگردانی، اداره خود، مدیریت خود، کف نفس، خود نظمی، خود مهارگری، چیرگی بر خود، خودتادیبی، تسلط بر نفس، خودتنظیمی، خود واریسی، خود سازمان‌دهی و در علوم اسلامی با خویشستن‌داری، خویشستن‌بانی، خودپایی، خود نگهداری، اراده، تزکیه نفس، مالکیت نفس، تقوا (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۷)، صبر، ورع، خود تربیتی و خود اصلاحی اشتراک معنایی دارد (آذربایجانی و دیلمی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳). در تبیین مفهوم خودکنترلی بیان شده است: مراقبتی درونی است که بر اساس آن وظایف محول شده انجام و رفتارهای ناهنجار و



غیرقانونی ترک می‌گردد بی آنکه نظارت یا کنترل خارجی در بین بوده باشد (پیروز و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۵). خودکنترلی حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایف متمایل می‌سازد، بدون آنکه عامل خارجی او را تحت نظارت داشته باشد (الوانی، ۱۳۴، ص ۱۳۸۲). منظور از خودکنترلی در این پژوهش، فرایندی است که شامل طراحی، ایجاد و حفظ مجموعه رفتاری می‌شود که با ابعاد شناختی (مجموعه‌ای از اعتقادات، افکار، نگرش‌ها، انتظارات و رویدادهای ذهنی) پیوند می‌خورد. این تعاریف مبین آن است که خودکنترلی فرایندی است که طی آن افراد بدون اجبار و تهدید و تطمیع به وظایف سازمانی خود تعهد نشان می‌دهند و از حداکثر توان خود در جهت تحقق اهداف سازمان استفاده می‌کنند.

قرآن کریم نیز کار خود را تعلیم و تزکیه می‌داند، کما این که کار انبیا را هم تعلیم و تزکیه می‌داند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (جمعه/۲)؛ یعنی در واقع، بعثت انبیا برای تعلیم و تزکیه است و تعلیم مقدمه‌ای است برای تزکیه انسان. تعلیم صرفاً ناظر به انتقال معلومات است و ذهن انسان را مورد هدف قرار می‌دهد، اما تزکیه پرورش و رشد ابعاد وجودی انسان است و در واقع فضایل درونی انسان را به فعلیت می‌رساند.

۱. بررسی مستندات قرآنی خودکنترلی

الف) آیات دال بر حضور خدا و خدا ناظری

دو کس پیش از هر فرد دیگر، نزد آدمی حاضر است و اگر انسان حضور آن دو را احساس کند و به آن باور داشته باشد، یا برای آن دو حرمت و ارزش قائل باشد، در آن صورت یقیناً هنگام فراهم آمدن زمینه انجام دادن رفتاری ناپسند، آدمی در کنترل نفس خویش موفق خواهد شد و از انجام دادن عمل زشت مصون خواهد ماند. آن دو کس، «خدا» و «خود» است. این دو



کس همواره نزد انسان حاضر و بر اعمال او ناظرند. موضوع حضور و نظارت پروردگار، روشن است و البته آیات متعددی بیانگر این حضور و نظارت، و هشداردهنده به انسان برای مراقبت از رفتار خود به سبب نظارت او است. در این مورد به آیات زیر به عنوان نمونه اشاره می‌گردد: «وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید / ۴)، «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه / ۷۸)، «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق / ۱۴) و ...

نکات تفسیری آیات

الف: نکات تفسیری سوره حدید آیه ۴:

۱. خداوند به همه ستمگران و سرکشان هشدار می‌دهد که اعمال آنها در نزد خدا بایگانی می‌شود و او آنها را به خاطر این اعمال، مورد حسابرسی دقیق و سختی قرار خواهد داد و با عذابی سخت دردناک مجازاتشان خواهد کرد (مغنیه، ج ۷، ص ۴۰۱).
۲. این احساس که او همه جا با ما است از یک سو به انسان عظمت و شکوه می‌بخشد و از سوی دیگر اطمینان و اعتماد به نفس می‌دهد و شجاعت و شهامت در او می‌آفریند، و از سوی سوم احساس مسئولیت شدید می‌بخشد، چرا که او همه جا حاضر و ناظر و مراقب است، و این بزرگ‌ترین درس تربیت است، آری این اعتقاد ریشه اصلی تقوی و پاکی و درستکاری انسان است و هم رمز عظمت و بزرگی او (مکارم شیرازی، ج ۲۳، ص ۳۰۷).

ب: نکات تفسیری سوره علق آیه ۱۴:

۱. توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خدا است، و اصولاً تمام عالم هستی محضر خدا است، و چیزی از اعمال و حتی نیت آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان اثر زیاد بگذارد، و او را از خلاقیتی



ها باز دارد، مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او جای گیرد و به صورت یک باور قطعی در آید (مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷).

۲. خداوند، ناظر گفتار و کردار انسان‌ها است. نظارت خداوند بر انسان‌ها، حقیقتی آشکار و قابل فهم برای همگان حتی مشرکان است (هاشمی رفسنجانی، ج ۲۰، ص ۴۶۵).

۳. خداوند، ناظر گفتار و کردار انسان‌ها است. نظارت خداوند بر انسان‌ها، حقیقتی آشکار و قابل فهم برای همگان حتی مشرکان است (همان).

۴. باورمندی انسان به حضور خداوند در سراسر زندگی‌اش، در بازدارندگی او از گناهان بسیار تأثیر می‌گذارد. نیروهای بیرونی هیچ‌گاه توان ضبط و مهار گناهان پنهان را ندارند، اما ایمان و اعتقاد به حضور خداوند در نهان و آشکار، نگاه بان انسان است (اسحاقی، ۱۳۸۹، ص ۷۵).

۵. علامه طباطبایی در خصوص استمرار نظارت الهی بر انسان می‌گوید: از آنجایی که انسان و همچنین هر مخلوق دیگر که حظی از بقا دارد همانطور که در ابتدای به وجود آمدنش محتاج به پروردگار خویش است، همچنین در بقاء خود نیز محتاج به عطای اوست، مؤید این معناست که تا هستی انسان باقی است خداوند متعال از خاطرات قلبیش آگاه است و در واقع بر او نظارت دارد (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۵۱۸).

ب) آیات دال بر خودکنترلی و خودناظری

تقوا در آموزه‌های قرآن کریم از جمله مفاهیمی است که به طور محوری بدان توجه شده است. «تقوا» در اصل از ماده «وقایه» به معنی نگهداری یا خویش‌داری است و به تعبیر دیگر یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند، و در واقع نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را در پرتگاه‌ها حفظ و از تندروی‌های خطرناک، باز می‌دارد. به همین دلیل امیر مؤمنان علی ع «تقوا» را به عنوان یک دژ نیرومند در



برابر خطرات گناه شمرده است، آنجا که می فرماید: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ»؛ بدانید ای بندگان خدا تقوا دژی است مستحکم و غیر قابل نفوذ (نهج البلاغه خطبه ۱۵۷)». در احادیث اسلامی و همچنین کلمات دانشمندان، تشبیهات فراوانی برای تجسم حالت تقوا بیان شده است، امیر مؤمنان علی ع می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلِّ، حِمْلٌ عَلَيْهَا أَهْلُهَا، وَأُعْطُوا أَرْمَتَهَا، فَأَوْرَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ» تقوا همچون مرکبی است راهوار که صاحبش بر آن سوار است و زمامش در دست او است و تا دل بهشت او راه پیش می برد (نهج البلاغه خطبه ۱۶)». بعضی، تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از یک سرزمین پر از خار عبور می کند، سعی دارد دامن خود را کاملاً برچیند و با احتیاط گام بردارد مبادا نوک خاری در پایش بنشیند، و یا دامنش را بگیرد. ضمناً از این تشبیه به خوبی استفاده می شود که تقوا به این نیست که انسان انزوا و گوشه گیری انتخاب کند، بلکه باید در دل اجتماع باشد و اگر اجتماع آلوده بوده خود را حفظ کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۹). شهید مطهری در این باره آورده است: تقوا از ماده و قی است و وقی به معنی نگهداری است. تقوا در واقع وقایه به کار بردن است، خود را نگه داشتن و حفظ کردن است. وقایه چیزی را می گویند که انسان به آن وسیله خود را از آفت و شری نگهداری می کند. «این وقایه آن واقع شد» یعنی سبب نگهداری و حفظ آن از چیز دیگر شد. شاید کلماتی از قبیل «خود نگهداری» یا «خود نگاهبانی» را تا اندازه ای بشود از نظر معنا نزدیک به کلمه تقوا در نظر گرفت. البته لازمه نگهداری خود و خود نگه داشتن، پرهیز کردن و اجتناب کردن از یک سلسله چیزهاست. پرهیزکاری لازمه تقواست نه عین تقوا. در نهج البلاغه از کلماتی که زیاد و بیش از جاهای دیگر به کار رفته کلمه «تقوا» است: «أَوْصِيكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ بِتَقْوَى اللَّهِ» (خطبه ۱۸۶) (مطهری، ج ۱۱، ص ۱۸۴). تقوا و خویشترداری از جنبه های مختلف در بهره‌وری سازمان مؤثر است که به مواردی اشاره می گردد:



۱- رابطه خودکنترلی و بهره‌وری عمومی

از آیات مختلف قرآن، از جمله آیه ۹۶ «اعراف» «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»، این نکته به خوبی استفاده می‌شود که ایمان و عدالت و خود نظارتی مایه آبادی جامعه‌ها و سازمان‌ها، و کفر و ظلم و گناه و افسارگسیختگی و تن ندادن به سیستم‌های نظارتی و کنترل، مایه ویرانی و هدر رفت سرمایه‌ها و امکانات است. مکارم شیرازی در ذیل آیه چنین بیان فرمودند: این «رابطه» تنها یک رابطه معنوی نیست، بلکه علاوه بر رابطه معنوی که آثارش را به خوبی می‌بینیم رابطه مادی روشنی نیز در این زمینه وجود دارد. کفر و بی‌ایمانی سرچشمه عدم احساس مسئولیت، قانون شکنی، و فراموش کردن ارزش‌های اخلاقی است، و این امور سبب از میان رفتن وحدت جامعه‌ها، متزلزل شدن پایه‌های اعتماد و اطمینان، هدر رفتن نیروهای انسانی و اقتصادی، و به هم خوردن تعادل اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۷۲). علامه فضل‌الله در ذیل آیه فرمودند: ایمان و تقوا معنای مسئولیت‌پذیری را که از دستکاری و فساد و خودخواهی باز می‌دارد در نفس عمیق‌تر می‌کند، پس چیزی جز آنچه به نفع مردم است و روابط و تجارت در زندگی برای مردم باقی نمی‌ماند. بنابراین، رابطه ایمان و تقوا با نعمت، رابطه‌ای است با چشمه‌های بهره‌وری که در حرکت نگرش‌ها، روابط و اعمال در زندگی با ذهن، روح و اراده انسان مشتعل می‌شود. نقش غیب در همه این‌ها باقی می‌ماند، زیرا خداوند از جایی که ما نمی‌دانیم نعمت‌هایی پنهان دارد و رزق و نعمت‌های زیادی دارد که از جایی که احساس نمی‌کنیم به ما عطا می‌کند. و اینها اموری است که مشمول آن چیزی نیست که ما از قوانین عادی زندگی می‌دانیم، بلکه غیبی است که هر وقت از خداوند رضایت داشتیم، منتظر می‌مانیم که با مهربانی و برکت و ایمان در اعماق وجودمان جاری می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۹۳). جوادی آملی در تفسیر آیه مذکور نکته مهمی را



متذکر شدند: تقوا در این آیه تنها ترک گناهای چون غیبت و دروغ و مانند آن نیست، بلکه تقوای اقتصادی را هم شامل می شود. بر این اساس فرد یا جامعه‌ای که به دستورهای دینی در زمینه اقتصادی عمل نکند تقوای اقتصادی ندارد؛ در نتیجه از برکات دنیایی محروم می ماند زیرا خدا روزی بشر را در زمین نهاده است «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ» (ملک/ ۱۵)». امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: کسی که با داشتن آب و خاک از جهت اقتصادی فقیر باشد و دستش را نزد دیگری دراز کند از رحمت خدا دور است «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (قرب الإسناد، جلد ۱، صفحه ۱۱۵)». پس لازم عمل به تقوای اقتصادی، یادگیری فنون کشاورزی، دامداری، خاکشناسی، راه مهار آب‌ها با انواع سدها و ... است و فراگیری این علوم به حکم عقل و نقل واجب است (جوادی، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۲۰).

متأسفانه روحیه انسان این است که به طور معمول سرمنشأ مشکلات را در جایی دیگر به جز وجود خود جستجو می کند؛ به عنوان مثال اگر مشکلات اقتصادی و نبود رفاه و ورشکستگی و نبود بهره اقتصادی مکفی، گریبان گیر ما شود، مسئولین دولت، نظام سلطه، همکاران، خانواده، جامعه و... را مقصر می دانیم و هیچ گاه نوبت این تقصیر به خود ما نمی رسد. در حالی که قرآن به صراحت سرمنشأ مشکلات مادی و اقتصادی را نوع رفتار فرهنگی خود ما بیان می کند. اگر تقوی را نقطه اوج فرهنگ اسلامی بدانیم - که همین گونه است - پیوند تقوی با معیشت و رفاه و بهره‌وری فرد و سازمان، خروج از مشکلات و رفع گرفتاری‌ها در قرآن رابطه‌ای مستقیم است.

۲- خودکنترلی، معیار سنجش کارآمدی و کرامت انسانی

انسان در بینش الهی شرافت و فضیلت خاصی دارد و خداوند وی را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیده است؛ چنان که در قرآن کریم فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ»



وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰). این مقام و شرافت تا به آن جا است که انسان می‌تواند به مقام جانشینی خداوند در زمین برسد. خداوند هنگام خلقت آدم (ع) به ملائکه فرمود: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰). وقتی که می‌گوید: «خلیفه قرار می‌دهم» معنایش این است که برای خودم جانشین قرار می‌دهم. منظور از تعیین خلیفه این است که در جهان موجودی ارزشمند را می‌آفریند. ارزش او به حدی است که اگر بخواهیم برای او در هستی جایگاهی قرار دهیم باید بگوییم: جانشین خدا است. ملائک جانشینی هم این است که این موجود آن قدر می‌تواند تعالی و ارزش وجودی پیدا کند که کارهای خدایی از او صادر شود (پیش فرض‌های مدیریت اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

منشأ مقام کرامت انسانی، «اراده» و «اختیار» انسان است که در آفرینش انسان از طرف خداوند نهاده شده است. در این رابطه شهید مطهری می‌نویسد: انسان از آن جهت که به نیروی «عقل» و «اراده» مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند. انسان می‌تواند همه میل‌ها را تحت فرمان عقل قرار دهد و برای آنها جیره‌بندی کند و به هیچ میلی بیش از میزان تعیین شده، بها ندهد و به این وسیله آزادی معنوی، که با ارزش‌ترین نوع آزادی است، را کسب نماید. این توانایی بزرگ از مختصات انسان است و در هیچ حیوانی وجود ندارد و همین است که انسان را شایسته تکلیف کرده است و همین است که به انسان حق «انتخاب» می‌دهد و همین است که انسان را به صورت یک موجود واقعاً «آزاد» و «انتخاب‌گر» و صاحب اختیار در می‌آورد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

انسان به دلیل مختار بودن، نقشی تعیین کننده در انتخاب جهت گیری کلی و نیز هماهنگی یا ناهماهنگی خود با نظام خلقت دارد؛ بدین معنا که انسان با انتخاب محور هوا یا تقوا، جهت گیری کلی خود را برای زندگی و ساختن هویت و شخصیت خود رقم می‌زند. بنابراین



انسان با بهره گیری از خودکنترلی و تقوا، در مسیر کرامت خود، گام نهاده و خود را از حقارت کنترل از بیرون، نجات می‌دهد. لذا با حاکم شدن و جریان پیدا کردن فرهنگ «تقوا» در سازمان، مدیران ملزم می‌شوند که در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، کرامت نیروی انسانی سازمان را لحاظ کرده و از نگاه ابزاری به انسان پرهیز نمایند.

آیه شریفه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، بعد از نفی ارزش‌های وابسته به قبیله و عشیره بیانگر انقلاب فکری و ارزشی است. طبق این آیه، هیچ چیز جز تقوا، ایمان توأم با احساس مسئولیت و پاکی عمل، معیار ارزیابی شخصیت انسانها و قربشان در درگاه خدا نیست، و هر کس از این معیار اصیل سهم بیشتری دارد مقرب‌تر و گرامی‌تر است (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۱۱۳).

طبقات در جامعه الهی جنبه ارزشی ندارد، بلکه معیار ارزش‌گذاری و ملاک برتری و کمال افراد و گروه‌ها نزد خداوند، تقوا و ورع است. بر این اساس، طبقه کارگر یا پایین‌ترین قشر اجتماعی با دارا بودن تقوا از بالاترین طبقات اجتماعی بی‌تقوای در جامعه دینی و الهی با کرامت‌تر و شریف‌ترند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸). برخی می‌پندارند که نظام دمکراسی غربی از همه نظام‌های دنیا پیشرفته‌تر و رشد یافته‌تر است. اگر مراد پیشرفت ظاهری و زرق و برق دنیوی باشد، با ندیدن ستم به کشورهای ضعیف و کوچک، سخن درستی است؛ اما همه معنای پیشرفت در این حیطه محدود نمی‌شود.

علامه طباطبایی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها که میان رژیم اسلام و رژیم دموکراسی هست این است که در حکومت‌های دموکراسی از آنجا که اساس کار بهره‌گیری مادی است، قهرا روح استخدام غیر، و بهره‌کشی از دیگران در کالبدش دمیده شده و این همان استکبار بشری است که همه چیز را تحت اراده انسان حاکم و عمل او قرار می‌دهد، حتی انسان‌های دیگر را، و به او اجازه می‌دهد از هر راهی که خواست انسان‌های



دیگر را تیول خود کند و بدون هیچ قید و شرطی بر تمامی خواسته‌ها و آرزوهایی که از سایر انسانها دارد مسلط باشد، و این بعینه همان دیکتاتوری شاهی است که در اعصار گذشته وجود داشت، چیزی که هست اسمش عوض شده و آن روز استبدادش می‌گفتند، و امروز دموکراسیش می‌خوانند، بلکه استبداد و ظلم دموکراسی بسیار بیشتر است، آن روز اسم و مسما هر دو زشت بود ولی امروز مسمای زشت تر از آن در اسمی و لباسی زیبا جلوه کرده، یعنی استبداد با لباس دموکراسی و تمدن که هم در مجلات می‌خوانیم و هم با چشم خود می‌بینیم چگونه بر سر ملل ضعیف می‌تازد، و چه ظلم‌ها و اجحافات و تحکاماتی را در باره آنان روا می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۴).

در برداشت مدیریتی از آیات فوق، کرامت دو بعد دارد: یکی آنچه مربوط به مدیر است؛ یعنی مدیر باید نسبت به زیر مجموعه، رفتاری متناسب با نظام خلقت داشته باشد؛ به گونه‌ای که تلاش نماید زمینه‌های انجام کار درست و خیر را توسعه و زمینه‌های انجام کارهای بد و نادرست را محو کند؛ افراد را هم به انجام کارهای خوب تشویق و از کارهای بد نهی نماید؛ اما هیچ‌گاه نباید کاری کند که افراد احساس کنند که مجبور به انجام کاری هستند، بلکه در عین احساس آزادی، فعلی هماهنگ با اهداف سازمانی انجام دهند و این زمانی ممکن است که سبک مدیریت و رهبری در سازمان، تفویضی و مبتنی بر اعتماد متقابل باشد و از نگاه ابزاری (صرفاً جهت کسب سود و منفعت) به نیروی انسانی پرهیز گردد و دوم اینکه خود نیروی انسانی باید کرامت خود را در سازمان حفظ کرده و با خودکنترلی و بدست گرفتن افسار امیال و هوس‌ها، با میل و علاقه و انگیزه درونی خود در راستای تأمین اهداف سازمان قدم بردارد؛ یعنی نیروی کار، نباید با سهل‌انگاری و بی‌دقتی و کم‌کاری در مسئولیت محوله، موجب شود که سیاست‌گذاران سازمان، قوانین خارج از کرامت انسانی تنظیم نموده و متمسک به زور و سختگیری در نظارت و تویخ گردند و از اهرم چماق و هویج استفاده نمایند که در اینصورت



فضای تهدید و ارباب در سازمان سایه می‌افکند. بنابراین با تقویت ویژگی خودکنترلی در انسان که در واقع نوعی مدیریت بر خویشتن است، انسان می‌تواند بر خویشتن خویش لگام زند و از انحرافات و اشتباهات و جرایم بدون اعمال قوه قهر و فشار دوری کند، در معاشرت صحیح آن را بکار بندد و بدین ترتیب، به سوی کمال انسانی رهنمون شود. انسان باید اندازه و ارزش ذاتی خودش را بشناسد و برنامه‌ی زندگی خودش را بر اساس آن تنظیم کند و نباید قیمتش را باندازه ربات و عروسک کوکی تنزل دهد تا با کوک و تنظیم دیگران همچون ابزاری بی ارزش بوده و در حد یک ماشین صنعتی کارایی داشته باشد.

۳- خودکنترلی و اتقان کار

از مواردی که اسلام به آن سفارش می‌کند انجام دادن کار متقن و مستحکم است، اسلام از انجام شدن کارهای سست و غیراستاندارد بر حذر می‌دارد. قرآن مجید بهترین الهام را در این زمینه به ما می‌دهد، زیرا با صراحت می‌گوید: تمام مصنوعات خداوند در جهان هستی دارای اتقان و استحکام و نظم خاصی است. از جمله در آیه ۸۸ سوره نمل می‌خوانیم: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ». هنگامی که خداوند قادر توانا در آفرینش جهان همه جا اتقان را به کار می‌برد، درسی به ما می‌دهد که در کارهای خود هماهنگ با نظام جهان هستی هر کاری را با اتقان شروع کنیم و با اتقان پایان دهیم. این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله معروف است که فرمود: «ولكن الله يحب عبداً إذا عمل عملاً أحكمه»؛ خداوند دوست دارد وقتی بنده‌ای کاری را انجام می‌دهد، آن را به استواری و استحکام انجام دهد (حر عاملی، ج ۲، ص ۸۸۴، ح ۲). (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۷۱).



اگر کسی بخواهد درست و متقن، عمل کند، باید خودکترلی داشته و با ایمان درونی به نظارت خداوند، به تکلیف و تعهد شرعی پایبند باشد و احساس کند که مشغول انجام دادن وظیفه‌ی شرعی است. گاهی انسان خسته است، کار هم هست، کسی هم شاهد و ناظر نیست؛ می‌گوید حالا چه لزومی دارد که این کار را تا آخرش انجام دهم، یا این دقت را در این کار بکنم؟ این، و سوسه‌ی نفسانی است. اگر کسی معتقد به دین و خدا نباشد، وقتی دید شاهد و ناظری نیست، دقت کار را کم می‌کند، اتقان کار را کم می‌کند و یا کار را نیمه تمام می‌گذارد؛ اما وقتی انسان به یادش آمد که اگر مردم نیستند، کرام الکاتبین هستند و خدای متعال بالاتر از کرام الکاتبین، ناظر و شاهد ماست و از ما سؤال می‌کند، این جا، کنترل و مراقبت مضاعفی در کارش به وجود می‌آید.

قرآن شریف می‌فرماید: زندگی اگر پایه‌ی او تقوا شد، اگر زندگی پایه‌ی او توأم شد با خویشتن‌داری، با خدا ترسی؛ به عبارت دیگر اگر روح خدا ترسی در انسان حکم فرما شد این زندگی استوار است، محکم است، این زندگی سالم است، لذت بخش است، نشانه‌ای از زندگی آخرت دارد. و اما اگر زندگی توأم با فسق و فجور شد، خویشتن‌داری در آن زندگی نبود. روح خدا ترسی در آن زندگی نبود، این زندگی ناسالم است. «أَقَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنْ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ» (توبه/۱۰۹). در کلام مفسرین، نکات مهمی درباره آیه فوق بیان شده است که به مواردی اشاره می‌گردد:

۱. از ظاهر سیاق برمی‌آید که جمله «أَقَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ...» و جمله «أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ...» هر یک مثلی است که یکی اساس زندگی مؤمنین، و دیگری پایه زندگی منافقین را مجسم می‌سازد، و آن اساس و پایه همان دین و روشی است که دنبال می‌کنند، دین مؤمن تقوا و پرهیز از خدا و طلب خشنودی اوست با



یقین و ایمان به او، و دین منافق مبنی بر شک و تزلزل است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۳۲).

۲. انسان موحد پایگاه اعتقادی، اخلاقی و رفتاری خویش را همانند بنیان مرصوص مصون از ریزش و سقوط، متقن قرار می‌دهد؛ برخلاف فرد ملحد که بر لبه بی‌پشتوانه فروهش و سقوط قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، جلد ۱۲، صفحه ۶۵۲).

۳. نباید تصور کرد که تقوا از مختصات دینداری است از قبیل نماز و روزه، بلکه تقوا لازمه انسانیت است. انسان اگر بخواهد از طرز زندگی حیوانی و جنگلی خارج شود ناچار است که تقوا داشته باشد. در زمان ما می‌بینیم که تقوای اجتماعی و سیاسی اصطلاح کرده‌اند. چیزی که هست تقوای دینی یک علو و قداست و استحکام دیگری دارد و در حقیقت تنها روی پایه دین است که می‌توان تقوایی مستحکم و با مبنا به وجود آورد و جز بر مبنای محکم ایمان به خدا نمی‌توان بنیانی مستحکم و اساسی و قابل اعتماد به وجود آورد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

۴. کسی که لرزان می‌اندیشد و مضطرب فکر می‌کند، مضطرب می‌سازد. آن که انگیزه اختلاسی و اندیشه نجومی دارد، فکرش را فطرتش را بر لبه لرزان سقوط، بنیان‌گذاری کرده است _ خواه از مسئولین خواه از مردم _ و کسی که باور صحیح، اعتقاد صائب و ایمان سالم داشت، او در زمین مستحکم خانه می‌سازد. خدای سبحان فرمود شما بنیان فکری و اندیشه و انگیزه را در جای لرزان نسازید، به فکر اختلاس و چپاول نباشید، به فکر زرق و برق دنیا نباشید، این شما را می‌برد! آن که در لبه رودخانه که زیرش خالی است خانه می‌سازد، غرق خواهد شد؛ فرمود: «أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ سَفَا حُرْفٍ هَارٍ» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ۱۱۲۱۲۶۶/ <https://www.tabnak.ir/fa/news/>)

بنابراین نیروی انسانی سازمان بطور اعم - خواه مهندس باشد یا معمار یا پیمانکار یا کارگر معمولی -، اگر خدا باور باشد، با بهره‌گیری از اهرم تقوا و مراقبت از رفتار و کردار خود، کارهای خود را به شکل متقن و مستحکم و دقیق، انجام داده و از تحمیل هزینه‌های دوباره کاری به سازمان جلوگیری خواهد کرد. در مقابل اگر نیروی انسانی سازمان، اندیشه



مادی گرایانه داشته باشد و همه هم و غمش تحصیل منفعت و سود بیشتر باشد، چنین انسانی مدام باید از طرف سازمان، تحت نظارت و کنترل قرار بگیرد تا از انجام درست کار شانه خالی نکند و موجب هدر رفت سرمایه‌های سازمان نگردد که البته در چنین مواردی، سازمان هرچقدر هم که در نظارت و کنترل نیروهای خودش هزینه کند و ابزارهای مختلف نظارتی را بکار بگیرد بازهم نیروی انسانی ناخلف، می‌تواند در خلوت خودش و یا با پنهان کاری، کار غیر مرتبط با سازمان انجام دهد.

ج) آیات دال بر گواه ناظری

قرآن کریم بارها آگاهی از اعمال خویش را به انسان یادآوری کرده، شهادت اعضا و جوارح گناهکاران، علیه خودشان را متذکر می‌شود تا شاید یکی از آثار این آیات، ایجاد شرم از خود و اعضا و جوارح خود باشد (سبحانی نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰). در این مورد به آیات زیر به عنوان نمونه اشاره می‌گردد: «شَهَدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فصلت/ ۲۰)، «وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ» (فصلت/ ۲۲)، «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/ ۳۶)، «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس/ ۶۵).

نکات تفسیری آیات

۱. و شهادت دادن اعضای بدن، و یا قوای بدن آدمی در روز قیامت به این است که آنچه از اعمال زشت که از صاحبش دیده، بشمارد و از آن خبر دهد، چون اگر تحمل شهادت، یعنی دیدن اعمال صاحبش در حین عمل و تشخیص اینکه این عمل گناه است، نباشد، شهادت در قیامت معنا ندارد. پس معلوم می‌شود در دنیا اعضای بدن آدمی، نوعی درک و بینایی دارند و اگر تحمل شهادت در هنگام عمل نداشته باشند و تنها خدا در روز قیامت چنین شعوری و نطقی به اعضا بدهد و در آن روز عالم شود به اینکه صاحبش چه کارهای زشتی کرده و یا در آن روز خدای تعالی



زبانی و صوتی برای اعضا قرار دهد، تا بتواند شهادت دهد هر چند شعور نداشته باشد، چنین چیزی (هر چند در جای خود ممکن است)، اما اطلاق شهادت بر آن صحیح نیست، و در قیامت با این چنین شهادتی حجت بر بنده خدا تمام نمی شود پس همان طور که گفتیم، از کلمه شهادت فهمیده می شود اعضای بدن آدمی نوعی درک و شعور و زبان دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۷۴).

۲. قرآن کریم در کمال صراحت می گوید: عالم آخرت، زنده است، همه چیز عالم آخرت زنده است و در آن دنیا هر چیزی و هر عضوی بر هر عملی که مرتکب شده است، گواهی می دهد. دست گواهی می دهد من چه کردم، و پا گواهی می دهد من چه کردم، چشم و گوش هر یک گواهی می دهند من چه کردم، پوست بدن که حدیث است که کنایه از عورت است گواهی می دهد من چه کردم، به زبان مهر می زنند: ای زبان! تو ساکت باش، بگذار خود اعضا و جوارح حرف بزنند، زبان هم (فقط) به گناهیانی که خودش مرتکب شده است گواهی می دهد. قرآن می فرماید: در روزی که زبان های این افراد (چون گناه اینها گناه زبان بوده) و دست ها و پاهایشان علیه ایشان به همان اعمالی که مرتکب شدند گواهی می دهند «يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ» (نور/ ۲۵) چنین روزی که خدا آن جزای حقی را که باید به اینها برسد، به طور کامل به آنان می دهد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۸).

حضرت علی (ع) در دعای کمیل می فرماید: «وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، جلد ۲، صفحه ۷۰۶)؛ و [ببخش] و نیز هر گناهی را که به کرام الکاتبین (آن نویسندگان بزرگوار) فرموده ای آن را ثبت کنند و آنها را به حفظ اعمال من گماشته ای و همراه جوارح من، شاهد بر من قرار شان داده ای و در ورای همه آنها، تو خود نیز ناظر بر من و شاهد آنچه از نگاه آنها مخفی مانده، بوده ای. به فرموده حضرت علی (ع) در برابر



تمامی کارهای من و شما سه شاهد وجود دارد که نظارتشان از هر آنچه که شما فکر کنید قوی تر است: ۱. فرشتگان مسئول ثبت اعمال، ۲. اندام و اعضای خود انسان، ۳. خداوند؛ که علاوه بر نظارت بر اعمال؛ بر نیت‌ها و امور ذهنی که بر ملائکه مخفی است نیز آگاه است.

د) آیات دال بر دادگاه ناظری رستاخیز و خودکنترلی

بدون شک ایمان به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در اعمال انسانها دارد، اصولاً اعمال انسان بازتاب اعتقادات اوست، یا به تعبیر دیگر رفتار هر کس با جهان بینی او ارتباط و پیوند مستقیم و تنگاتنگ دارد. کسی که می‌داند تمام اعمالش بی‌کم و کاست به زودی در دادگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که قضاتش از همه چیز آگاهند، نه توصیه‌ای در آن مؤثر است و نه رشوه‌ای، و نه حکم دادگاهش تجدید نظر دارد، سپس بر طبق آن پاداش و کیفر می‌بیند، بلکه از دیدگاه دیگر، اعمال او همگی محفوظ است و رنگ ابدیت به خود می‌گیرد، و در زندگی دیگر با اوست و مایه آبرو یا سرشکستگی، آرامش یا شکنجه اوست، و به دنبال آن سعادت جاودان یا عذاب همیشگی است، مسلماً چنین کسی نه فقط در اصلاح خود می‌کوشد بلکه در انجام اعمال گوناگونش فوق العاده سختگیر و موشکاف است، با این اشاره به قرآن باز می‌گردیم و به آیات زیر که بازگو کننده این حقیقت است گوش جان فرا می‌دهیم: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا، بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا، يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوَّاْ أَعْمَالَهُمْ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله / ۴-۸)، «وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ» (ق / ۴۱)، «وَ مَا تُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (صافات / ۳۹)، «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (كهف / ۱۱۰) و...

نکات تفسیری آیات

۱. برخورد منافع از لوازم اجتماع انسانی است که در آن افراد نیرومند و ناتوان، مستعد و عقب مانده، زندگی می‌کنند و افراد نیرومند و مستعد پیوسته می‌خواهند همه چیز را به



خود اختصاص دهند. برای ترمیم این کاستی چاره‌ای جز وضع برنامه دربرگیرنده حقوق تمام طبقات نیست، لیکن به کار بستن قانون از تشریح آن، به مراتب مهم‌تر است. امروزه قوه قانون‌گذاری، قوه قضایی و قوه مجریه تا حدودی توازنسته است به جامعه، نظم و آرامش نسبی تحقق بخشد و هنگامه اضطراب به کمک حکومت‌های پلیسی و نظامی، جلو بسیاری از بی‌نظمی‌ها را بگیرد. با این شیوه‌ها تنها می‌توان به خلافکاری‌های آشکار پایان بخشید، ولی از تبهکاری‌های پنهانی که از دیده دستگاه قضایی و انتظامی دور است، نمی‌توان جلوگیری کرد. برعکس، در اجتماعی که زیربنای برنامه‌های آن را ایمان و ترس از خدا تشکیل دهد، این مشکل وجود ندارد، زیرا کیفر گناه، خود بهترین ضامن اجرای قوانین است (سبحانی، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

۲. اگر انسان معتقد باشد هر آنچه از او صادر می‌گردد زنده و همراه اوست و او در برابرش مسئول است، و اگر بر این باور باشد که روزی به همه‌ی اعمال، اخلاق و عقاید او رسیدگی می‌شود، قهراً چنین انسانی خود را هر آن در برابر محکمه عدل الهی حاضر می‌بیند و آگاه است که خداوند مراقب اوست و از او حساب رسی خواهد کرد. مراقب کسی است که رقبه و گردن می‌کشد و ناظر بر کار دیگری است؛ چنان که در جلسه آزمون مراقبان گردن می‌کشند و تمام رخدادهای آزمون شونده را زیر نظر می‌گیرند. به انسان دستور داده‌اند مراقب شؤون ظاهر و باطن خود باشد؛ یعنی نفس خود را زیر نظر بگیرد و از آن حساب رسی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ص ۳۵).



نتیجه

اگر اعضای یک سازمان از ارزش‌های اخلاقی بهره‌مند باشند، بازده کار، بیشتر و هزینه آن کمتر است و شاید بتوان گفت تثبیت ارزش‌های اخلاقی، بهترین شیوه کنترل نیروی انسانی است، یعنی از آنجا که در هر سازمانی کنترل نیروی انسانی یکی از اصول کار مدیریت است، ناچار باید گروه زیادی از نیروهای انسانی را در این راه به کار گرفت و این امر مستلزم صرف هزینه‌های کلان مادی و اتلاف نیروی انسانی است، به گونه‌ای که تقریباً بخش عظیمی از نیروهایی که در یک مؤسسه کار می‌کنند صرف جمع‌آوری اطلاعات از دیگران، ارزیابی، بررسی بازدهی کار و ... می‌شود و این وضعیت، باعث می‌شود که گروهی از نیروهای انسانی از کار موگد یا از ارائه خدمات باز بمانند، چون مجبورند وقت و نیرویشان را در بخش‌های غیر مرتبط با سازمان بگذرانند و این کار خود هزینه سنگینی را بر مؤسسه تحمیل می‌کند.

علاوه بر این، گاهی در بسیاری از سازمان‌ها و کارخانجات، مخصوصاً در مؤسسات بزرگ، به این نتیجه می‌رسند که این نیروی کنترل‌کننده کافی نیست، زیرا خود اینها نیز به نیروی کنترل‌کننده دیگری نیاز دارند، لذا به ایجاد سیستم اطلاعات دیگری روی می‌آورند و همین‌طور ... هرچند هم که این وضعیت ادامه پیدا کند، باز به نتیجه نهایی نمی‌رسد و این جریان همچنان ادامه پیدا می‌کند تا جایی که کار به کسانی منتهی شود که در درون خود عامل کنترل‌کننده داشته باشند.

بدون درونی شدن ارزش‌ها، حتی مدیر یک مؤسسه هم مورد اطمینان نیست و کسی باید او را کنترل کند و باید کسانی هم باشند که مسئولان کنترل و بازرسی را کنترل کنند که گزارش‌های آنها صحیح باشد؛ حقایق را کتمان نکنند، یا مطالبی را جعل نکنند و برای این گروه کنترل هم همین سخن صادق است، اما اگر به جای این همه نیروی انسانی کنترل‌کننده بتوان ارزش‌ها را در درون کارمندان به وجود آورد؛ یعنی آنها را به یک سلسله اصول اخلاقی ارزشمند پایبند کرد، به حدی که بتوان به خود آنان اعتماد کرد، در این صورت هم نیروهای مراقب، آزاد شده و می‌توانند به کار موگد پردازند و هم هزینه‌ای را که صرف آنها می‌شود، می‌توان در جای دیگر به کار گرفت. علاوه بر این، کارگران بیش از پیش احساس شخصیت و ارزش خواهند کرد، زیرا افرادی که دائماً خودشان را تحت کنترل



می‌بینند، احساس حقارت می‌کنند، اما وقتی که به آنها اعتماد شود و واقعاً قابل اعتماد هم باشند؛ خود آنها هم احساس ارزش و شخصیت می‌کنند که به نوبه خود هم آثار اقتصادی و روانی و انسانی دارد و هم برای توسعه بسیار مفیدتر است، زیرا که در این صورت نیروی فعال و مولد افزایش می‌یابد.

قرآن کریم، درون انسان را با حفظ اختیار او، در سیطره ذات مقدّس ربوبی می‌داند و میان انسان و حقیقت او را محل حضور خدای سبحان می‌شمارد؛ «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال/۲۴) کسی که بر نظارت خدا بی‌توجه باشد هیچ چیز دیگر مانع و جلودار او نمی‌شود. اگر انسان خود را تحت نظارت و کنترل خدا بداند، دیگر اهل زد و بند نمی‌شود و مخفیانه و دور از چشم ناظرین و دوربین‌ها، دست به سندسازی و اختلاس نخواهد برد و در سازمان به اهدافی غیر اهداف سازمان، نخواهد اندیشید. ایمان و عدالت و خود نظارتی ما به آبدی جامعه‌ها و سازمان‌ها، و کفر و ظلم و گناه و افسارگسیختگی و تن‌دادن به سیستم‌های نظارتی و کنترل، مایه ویرانی و هدر رفت سرمایه‌ها و امکانات است. انسان از آن جهت که به نیروی «عقل» و «اراده» مجهز است، انتظار خودکنترلی از او منطقی و عاقلانه است چراکه؛ قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند.

اگر کسی معتقد به دین و خدا نباشد، وقتی دید شاهد و ناظری نیست، دقت کار را کم می‌کند، اتقان کار را کم می‌کند و یا کار را نیمه تمام می‌گذارد؛ اما وقتی انسان به یادش آمد که اگر مردم نداشتند، کرام‌الکاتبین هستند و خدای متعال بالاتر از کرام‌الکاتبین، ناظر و شاهد ما است و از ما سؤال می‌کند، این جا، کنترل و مراقبت مضاعفی در کارش به وجود می‌آید.

عالم آخرت، زنده است، همه چیز عالم آخرت زنده است و در آن دنیا هر چیزی و هر عضوی بر هر عملی که مرتکب شده است، گواهی می‌دهد. ایمان به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در اعمال انسانها دارد، اصولاً اعمال انسان بازتاب اعتقادات او است و رفتار هر کس با جهان بینی او ارتباط و پیوند مستقیم و تنگاتنگ دارد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، گردآورنده: محمد آخوندی، تران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲. آذربایجانی، مسعود، دیلم، احمد، اخلاق اسلامی، چاپ چهل و یکم، قم: دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳. اسحاقی، حسین، زخم فطرت؛ پرهیز نامه‌ای از گناه، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.
۴. اکبری، پیمان، بهره‌وری؛ ترسیم و وضعیت آینده، ماهنامه اطلاعات علمی، شماره ۹ (پیاپی ۳۷۰)، صفحه ۵۰، سال: بیست و چهارم، تیر ۱۳۸۹ ش.
۵. انصاری قمی، مهدی، غررالحکم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴ ش.
۶. الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
۷. بافکار، حسین، بهره‌وری در پرتو اسلام، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴ ش.
۸. پیروز، علی آقا؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود؛ خدمتی، ابوطالب، مدیریت در اسلام، (زیر نظر سید مهدی الوانی)، چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ ش.
۹. جان بزرگی، مسعود، آموزش اخلاق رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان (راهنمای عملی)، تهران: ارجمند، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. جنبش بهره‌وری در ژاپن، مفهوم اساسی بهره‌وری و توسعه جنبش بهره‌وری، سمپوزیوم بین‌المللی بهره‌وری، مرکز بهره‌وری ژاپن، ۱۹۸۳.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۹۴ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۹ ش.
۱۳. جوزف پروکینکو، مدیریت بهره‌وری، ترجمه: محمدرضا ابراهیمی مهر، تهران: کیهانک، ۱۳۷۲ ش.



۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۵. خیری، طاهر، خودکنترلی در سازمان، مجله: تدبیر، ش ۱۳۷، مهر ۱۳۸۲ ش.
۱۶. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. زارع، حمید، الگویی از خودکنترلی در فرهنگ اسلامی، حوزه و دانشگاه، شماره ۴۵، صص ۴۵ - ۷۵، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. سازمان بهره‌وری ملی ایران، مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار بهره‌وری، تهران: چاپ بصیر،
۱۹. سایت: تابناک، جوادی آملی، ۱۴۰۱، پیام تسلیت برای فاجعه «متروپل» آبادان
<https://www.tabnak.ir/fa/news/1121266>
۲۰. سبحانی نیا، محمدتقی، رفتار اخلاقی انسان با خود، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، قم: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۷ ش.
۲۲. سید حسین ابطحی و بابک کاظمی، بهره‌وری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. صدیقه صائمان، مقاله «آموزش و آثار آن بر بهره‌وری»، همشهری، ش ۲۱۸۸، ص ۵، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. عالم تبریز، اکبر، عوامل مؤثر در رشد بهره‌وری، فصلنامه مطالعات مدیریت انتشارات دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی، شماره اول، دوره سوم، ویژه بهره‌وری، ۱۳۷۲ ش.



۲۷. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران دوره جدید، ۱۳۷۷ ش.
۲۸. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ۲۵ جلد، لبنان - بیروت: دار الملائک، چاپ: ۱۴۱۹ ق.
۲۹. کانون دانش پژوهان نخبه، معاونت پژوهش و برنامه ریزی (گروه پژوهشی برنا)، برنا، بستر رویش نخبگان انقلابی، ۷ ج، تهران - ایران: تراث، ۱۳۹۴ ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ - ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش فرض های مدیریت اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره) ۱۳۹۴ ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم: صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم: صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، قم: صدرا، چاپ: سی و ششم، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۸ ش.
۳۶. مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۷۸ ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۳۹. نیلوفر عاکفیان، بهره‌وری و کاربرد آن در دنیای امروز، جام جم، ش ۱۱۵۲، ص ۱۲، ۱۳۸۳ ش.
۴۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، ۲۱ جلد، قم: بوستان کتاب، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش.